

دانشگاه هنر | معنویت حماسه ساز و معنویت حماسه‌سوز-۱

**پناهیان: مسأله آینده بشر، مسأله تقابل انواع معنویت‌هاست/ کشورهایمانند فرانسه که در خدمت**

**آرمان‌های دینی صهیونیست‌ها هستند، لائیک محسوب نمی‌شوند**

پناهیان: مصرف زیاد محصولات هنری که به ابتذال روی آورده‌اند، معیار تشخیص معنویت نیست. امروزه قدرتمندترین محصولات هنری در خدمت انواع معنویت‌های دروغین قرار گرفته‌اند. مسأله ما، دیگر مسأله مبارزه با مادی‌گرایی نیست. مسأله ما، مبارزه با شهوترانی نیست. این مسائل دیگر تعیین‌کننده‌ترین عوامل نیستند. مسأله آینده ما، مسائل سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی محض نیست. مسائل فلسفی که دعوی ماتریالیسم و معنویت را مطرح می‌کرده‌اند هم مسأله اصلی نخواهند بود. مسأله آینده بشر، مسأله تقابل انواع معنویت‌هاست.

سوگواره هنر و حماسه برای نهمین سال متوالی به همت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان هنر در دانشگاه تهران آغاز شد. این سوگواره از شب هفتم محرم به مدت ده شب آغاز شد. بخش‌هایی از **اولین جلسه** سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در دانشگاه هنر با موضوع: «**معنویت حماسه ساز و معنویت حماسه‌سوز**» را در ادامه می‌خوانید:

**زمانه ما زمانه مخالفت با معنویت نیست، زمانه تحریف معنویت است/ به معنویت تنوع می‌بخشند تا**

**معنویت اصیل فراموش شود / این بازی به نفع معنویت ناب تمام خواهد شد**

- زمانه ما، زمانه مخالفت با معنویت نیست. در این زمان نمی‌توان با معنویت دشمنی کرد. زمانه ما زمانه تحقیر و توهین به معنویت هم نیست. زمانه ما فقط زمانه تحریف معنویت است. وقتی فطرت و دل‌های مردم دنیا، بعد از مدتی فاصله گرفتن از خدا دلشان برای خدا تنگ شده باشد و خدا را جستجو کند، گرایش به معنویت در سراسر جهان بازار پیدا خواهد کرد. امروزه طبق هر شاخصی که در نظر بگیرید معنویت رونق پیدا کرده است. امروزه دوران دشمنی با معنویت هم طبیعتاً به سر رسیده است. دیگر کسی نمی‌تواند علیه معنویت سخن بگوید. به نفع هیچ چیزی نمی‌توان علیه معنویت اقدام کرد. مردم همه قبول کرده‌اند که معنویت با علم قابل جمع است و خرافات نیست. بی‌دلیل یا با دلیل، مردم این مطالب را درک می‌کنند.
- دوره ما، دوره تحریف معنویت است. در این دوره به معنویت تنوع می‌بخشند تا در اثر این تنوع‌بخشی به معنویت، معنویت اصیل فراموش شود. طراحان تحریف معنویت به دنبال ناامید کردن مردم از معنویت هستند؛ همانطور که مردم از تکنولوژی ناامید شده‌اند، تا مردم بگویند معنویت هم نمی‌تواند ما را خوشبخت کند. ولی مطمئناً وقتی بازار مکاره معنویت هم به کار می‌افتد و محصولات تقلبی را به بازار می‌فرستند، باز هم بازی به نفع معنویت ناب تمام خواهد شد. نقش ما این است که این فرآیند را تسریع کنیم و راه رسیدن مردم عالم به معنویت ناب را تسهیل کنیم.
- معنویت در حال تحریف شدن است. اینطور نیست که فقط یک جریان عمده مخوف و قدرت پشت سر این تحریف معنویت باشد. بلکه دل‌های هریک از ما می‌تواند کارخانه‌ای برای تولید معنویت‌های تحریف شده باشد. استاد تمام تولید معنویت‌های قلبی شیطان رجیم است که با همگان ارتباط دارد.

**مسأله آینده بشر، مسأله تقابل انواع معنویت‌هاست**

- مصرف زیاد محصولات هنری که به ابتذال روی آورده‌اند، معیار تشخیص معنویت نیست. امروزه قدرتمندترین محصولات هنری در خدمت انواع معنویت‌های دروغین قرار گرفته‌اند. مسأله ما، دیگر مسأله

مبارزه با مادی‌گرایی نیست. مسأله ما، مبارزه با شهوترانی نیست. این مسائل دیگر تعیین‌کننده‌ترین عوامل نیستند، به مصرف فراوان این دست مسائل در برخی از طبقات اجتماعی نگاه نکنید. باید به روشی، فهرست مسائل مهمتر را به دست آورد. مسأله آینده ما، مسائل سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی محض نیست. مسائل فلسفی که دعوی ماتریالیسم و معنویت را مطرح می‌کرده‌اند هم مسأله اصلی نخواهند بود. مسأله آینده بشر، مسأله تقابل انواع معنویت‌هاست.

- امروزه در منطقه نیز، سر بریدن‌ها و جنایت‌های تکفیری‌ها و سلفی‌ها ناشی از معنویت‌های تقلبی و دست‌ساز در جهان اسلام است.
- در جهان امروز، تظاهراتی برای دفاع از دموکراسی شکل نمی‌گیرد؛ اگرچه علیه دموکراسی ممکن است شکل بگیرد. حتی تظاهرات برای شکم که تظاهرات بی‌مایه و بی‌ریشه است نیز تداوم ندارد.

### پیامبران الهی مانند داورانی بوده‌اند که تلاش می‌کردند زمینه معنویت را اصلاح کنند

- مسأله آینده جهان، مسأله معنویت است و کسی باید بیاید تا بین این معنویت‌ها داوری نماید و او حتماً امام زمان (عج) خواهد بود. پیامبران الهی نیز مانند داورانی بوده‌اند که تلاش می‌کردند زمینه معنویت را اصلاح کنند. در قرآن کریم می‌فرمایند پیامبران می‌آیند تا زنجیرها را از دست و پای مردم بردارند. (يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ اعراف، ۱۵۷) در روایات و تفاسیر ذکر شده که این زنجیرها، معنویت‌های کاذب هستند. (امام باقر(ع): وَ الْأَغْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أُمْرًا بِهِ؛ کافی/۴۲۲/۱، تفسیر المیزان: جمیع احکام و تکالیف شاقه‌ای که در سایر ادیان و مخصوصاً در دین یهود و به دست احبار و ملایان ایشان رخنه پیدا کرده بود) یعنی احکامی است که ادیان دروغین برای مردم درست کرده‌اند و مردم به نیت کسب رضای خدا، به اشتباه و انحراف می‌افتند. اینطور نبوده که مسأله پیامبران، همیشه مبارزه کردن با فرعون باشد، چه اینکه فرعون هم یک جهان ماتریالیستی ایجاد نکرده بود بلکه خودش را خدای اعلی می‌دانست و خودش را جای خدا نشانده بود و به خودش قداست بخشیده بود. (فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى؛ نازعات/۲۴)

- مسأله آینده جهان، مسأله معنویت است، به حدی که حتی ممکن است بین عزاداران امام حسین(ع) هم با توجه به نحله‌های فکری مختلف، درگیری‌های معنوی بوجود بیاید. از بروز این اختلاف‌ها راه فراری نیست؛ چون قدرت‌طلبان و قدرت‌پرست‌های عالم فهمیده‌اند که قدرت در معنویت است و بدون معنویت‌های تحریف شده، به هیچ وجه نمی‌توان تروریست‌های خشن را تربیت کرد.

بعد از دوره تکنولوژی، دوباره معنویت ابزار رسیدن به قدرت شده است/ نمی‌توان به دلیل نگرانی

سوءاستفاده از معنویت، آن کنار گذاشت

- قبل از رنسانس معنویت ابزار قدرت بود. بعد از رنسانس، تکنولوژی ابزار قدرت شد و امروزه مجدداً در حال برگشتن به شرایطی هستیم که معنویت ابزار رسیدن به قدرت می‌شود. با این تفاوت که شرایط امروز، شرایط قرون وسطایی نیست. رئیس‌جمهور قبلی امریکا تلاش کرد جنگ‌های صلیبی را مجدداً به راه بیندازد ولی موفق نشد. در آن زمان جنگ دین علیه دین، پا نگرفت ولی امروزه جنگ مذهب علیه مذهب را در منطقه ما راه انداخته‌اند. این نشان می‌دهد که دوران ما، دوران معنویت است و قدرتمندان و قدرت‌پرستان از همین ابزار استفاده می‌کنند.

• واقعاً دیگر تکنولوژی عامل قدرت نیست؛ کما اینکه در جنگ ۳۳ روزه و جنگ غزه دیده شد. امروزه از معنویت برای رسیدن به قدرت سوءاستفاده می‌شود و بیشتر هم خواهد شد و نمی‌توان با این نگرانی که «از معنویت سوءاستفاده می‌شود» معنویت را کنار گذاشت. در قرون وسطی هم اشتباه کردند که معنویت را کنار گذاشتند و گفتند علم، حکومت خواهد کرد. از این به بعد طرفین قدرت از معنویت استفاده خواهند کرد. البته ما معتقدیم که دشمنان ما از معنویت، سوءاستفاده خواهند کرد.

**بعد از رنسانس تا کنون، جهان یک جهان معنوی بوده است/ در طول این سال‌ها یک قدرت معنوی صهیونیستی پشت سر همه قدرت‌ها، اعمال نفوذ می‌کرده / کشورهایمانند فرانسه که در خدمت آرمان‌های دینی صهیونیست‌ها هستند، لائیک محسوب نمی‌شوند**

• البته بعد از رنسانس تا الان هم، جهان یک جهان معنوی بوده است؛ نه جهانی با سرپرستی علم و تکنولوژی و با فلسفه‌های مختلف مرتبط با علوم تجربی و یا اندیشیده‌ای وراء معنویت؛ اصلاً چنین خبرهایی نبوده است. در طول این سال‌ها ثابت شده است که یک قدرت معنوی صهیونیستی پشت سر همه قدرت‌ها، اعمال نفوذ می‌کرده است.

• با اعمال نفوذ صهیونیسم بوده که سکولاریسم در جهان رواج پیدا کرده است. سکولاریسم در خدمت آرمان‌های معنوی صهیونیسم عمل کرده است. کشورهایمانند آلمان، فرانسه و یا ترکیه را نمی‌توان کشورهای سکولار و لائیک دانست؛ همه این کشورها، آرمان‌های دینی صهیونیست‌ها را محقق می‌کنند و در خدمت آن هستند. در مورد اقتصاد جهانی هم صهیونیست‌ها طبق آرمان دینی خودشان تعیین می‌کند که راه اقتصاد چگونه پیموده شود و پول‌ها کجا هزینه شوند؟ اقتصاد در جهان، کاملاً مذهبی اداره می‌شود.

**در مذاکرات اخیر هم ثابت شد که سروری صهیونیست‌ها، مسأله اصلی دشمنان است**

• آمارهای اقتصادی این واقعیت را نشان می‌دهد؛ سهامداران عمده از ژاپن تا کانادا و سهامداران همه رسانه‌های عالم، لابی‌های قدرتمندان همه کشورها، در خدمت اهداف دینی صهیونیست‌ها هستند. این مطلب در مذاکرات اخیر ایران در ژنو هم مشخص شد که مسأله اصلی برای آنها اسرائیل است، یعنی مسأله اصلی سروری اسرائیل بر آنهاست؛ نه ترخم آنها بر اسرائیل.

**الان زمان رقابت نهایی دو جریان عمده معنویت است/ بعد از رنسانس، معنویت صهیونیستی قدرت جهان را در دست گرفت**

• جهان، جهان معنویت بوده است ولی با سوءاستفاده از معنویت. معنویت در خدمت قدرت و ابزاری برای قدرتمندان بوده است. بعد از رنسانس، معنویت صهیونیستی قدرت جهان را در دست گرفت ولی بهانه ظاهری اش تکنولوژی بود. الان زمان رقابت نهایی دو جریان عمده معنویت است؛ معنویت ناب اسلامی و معنویت غیراصیلی که با هزار چهره به میدان می‌آید. امروزه بازار مکاره‌ای برای معنویت درست شده است. چون قدرت در معنویت است، و هر قدرتی را با معنویت می‌توان شکست. مردم سرگشته معنویت هستند ولی الگوها و شاخص‌هایی ندارند که بفهمند معنویت ناب را چگونه از معنویت غیرناب می‌توان تشخیص داد.

## ابلیس هم اهل معنویت بود / ابلیس یک «موجود معنوی منحرف» بود که با معنویت ناب مشکل داشت

- البته بحث ما در این جلسات، خیلی اجتماعی نیست و بهتر است نگاه فردی به آن داشته باشیم. همه دوست دارند یک خلسه معنوی قشنگ در وجود خود داشته باشند و برای این کار باید معنویت ناب را از معنویت غیرناب تشخیص داد.
- در نگاه دینی به معنویت، از این زاویه هم می‌توان توجه کرد که وقتی خدا بشر را خلق کرد، دشمنی برای او به نام ابلیس وجود داشت؛ ابلیس یک ماتریالیست نبود که در مقابل یک معناگرا قرار گرفته باشد. ابلیس، یک خداپرست بود که به خدا کاملاً معتقد بود. ابلیس یک موجود معنوی ولی منحرف است. ابلیس، علیه معنویت ناب قیام کرده است. مشکل ابلیس با معنویت ناب بوده است.

## بت پرستی هم یک معنویت تحریف شده بود / از ابتدای تاریخ، ضدیت با معنویت مطرح نبوده است

- در دوره‌ای دیگر با هابیل و قابیل مواجه می‌شویم. قابیل، کافر نبوده، بلکه اهل عبادت بوده و برای خدا قربانی هم داده اما قربانی‌اش قبول نشده است. قابیل که ماتریالیست نبوده است.
- مخالفین حضرت نوح(ع) و بلکه تمام پیامبر دیگر هم خدا را قبول داشتند، ولی می‌گفتند: «چرا خدا «شما» را فرستاد؟ ملکی را می‌فرستاد.» (وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكًا؛ انعام/۸) سخن از نوع معنویتی است که از آن دفاع می‌کردند.
- این موارد نشان می‌دهد از ابتدای تاریخ، ضدیت با معنویت مطرح نبوده است. مخالفان پیامبر اکرم(ص) هم به دلیل نوع معنویت غیراصیلی که داشتند، با ایشان مخالفت می‌کردند. ابوجهل، یکی از معروف‌ترین دشمنان پیامبر اکرم(ص) است. اجداد پیامبر گرامی اسلام(ص) و اجداد ابوجهل با هم در مورد کرم و فضل و اخلاق و معنویت برای تصاحب پرده‌داری خانه کعبه رقابت داشته‌اند و برای هر دو گروه، خانه کعبه مقدس بوده است و اعمال و مناسکی هم دور کعبه انجام می‌دادند. می‌فهمیدند که کعبه، قبله‌گاه است. ابرهه به همین دلیل می‌خواست خانه کعبه را خراب کند که آنجا قبله‌گاه بود. ابوجهل نپذیرفت که آن همه زحمت خودش برای کسب اعتبار از دست برده و پیغمبری، به فردی از خانواده دیگری واگذار شود. در مورد اصل خدا و اصل پیغمبری، بحثی نبوده است. به دلیل حسادت‌ها و مسائل شخصی نمی‌توانستند معنویت پیامبر اکرم(ص) را بپذیرند. (أَنَّ الْأَخْنَسَ بْنَ شَرِيْقٍ خَلَا بِأَبِي جَهْلٍ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا الْحَكَمِ، أَخْبِرْنِي عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَصَادِقٌ هُوَ أَمْ كَاذِبٌ! فَإِنَّهُ لَيْسَ هَاهُنَا مِنْ قَرِيْشٍ أَحَدٌ غَيْرِي وَغَيْرِكَ يَسْمَعُ كَلَامَنَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَهْلٍ: وَيْحَكَ! وَاللَّهِ إِنَّ مُحَمَّدًا لَصَادِقٌ، وَ مَا كَذَبَ مُحَمَّدٌ قَطُّ؛ وَ لَكِنْ إِذَا ذَهَبَ بَنُو قَصِيٍّ بِاللَّوَاءِ وَ الْحِجَابَةِ وَ السَّقَايَةِ وَ النَّدْوَةِ وَ النَّبُوَّةِ، مَا ذَا يَكُونُ لِسَائِرِ قَرِيْشٍ!؛ أمالی المرتضی، ج ۲، ص: ۲۶۵)
- در مورد بت پرستی هم توجه کنیم که باز هم پرستش بوده است ولی پرستشی تحریف شده و اشتباه، پس لائیسیتیه نبوده است. ثانیاً بت‌ها را خدا نمی‌دانسته‌اند، بلکه معتقد بودند بت‌ها، نماینده خدا هستند. بت‌ها را شفیعان خود نزد خدا می‌دانستند. (وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ؛ یونس/۱۸) اختلاف با بت پرستان هم از انواع نزاع بین معنویت‌ها بوده است.

## کسی از شیطان، بدتر نیست ولی شیطان هم خدا را قبول داشت / اصلی‌ترین نزاع‌های حیات بشر، نزاع بر

### سر معنویت بوده است

- همه ما در دل خود معنویتی داریم که باید معنویت خود را ناب کنیم. هیچکدام ما، بی‌خدا نیستیم. مسأله ما مذهبی‌ها رسیدن به اخلاص است. اگر به اخلاص برسیم، به لذت از معنویت ناب خواهیم رسید. کسی از شیطان، بدتر نیست ولی شیطان هم خدا را

قبول داشت. ابلیس هم ماتریالیست نبود، ولی لج کرده بود. در تاریخ، قدرت طلب‌ها هم افرادی معنوی هستند. شمربین ذی الجوشن هم که سر مطهر امام حسین (ع) را در دست داشت، می‌گفت این سر را از من بگیرید، نماز عصرم در حال قضا شدن است. دعوا همیشه سر معنویت بوده است.

- گاهی شکل و ظاهر دعوا را عوض کرده‌اند، گاهی هم انسان‌ها به دعوای فرعی مشغول شده‌اند، ولی اصلی‌ترین نزاع‌های حیات بشر، نزاع بر سر معنویت بوده است.

### معرفی اجمالی بحث: معنویت‌های حماسه‌ساز و معنویت‌های حماسه‌سوز/معنویت ناب و معنویت ابلیسی

- در این جلسات می‌خواهیم در مورد دو نوع معنویت صحبت کنیم؛ معنویت‌های حماسه‌ساز و معنویت‌های حماسه‌سوز. معنویت حماسه‌ساز معنویت نابی است که توسط قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌شود. معنویت حماسه‌سوز، معنویت‌های دیگری است که ابلیس رجیم معرفی می‌کند.

- **یکی از معنویت‌های حماسه‌سوز، معنویت وهابی است که حماسه‌گران جهان اسلام را سر می‌برد. جلوه دیگر همین معنویت، معنویت است که به طور کلی جنگ و جهاد را انکار می‌کند و حماسه‌سوز است.**

- اگر معنویت حماسه‌سوز داشته باشی، طبق روایات ممکن است گریه و خشوع بیشتر هم می‌شود. کسی بدعت در دین بگذارد، یعنی معنویت تحریف شده داشته باشد، خشوع و گریه او افزایش می‌یابد (پیامبر اکرم (ص): **مَنْ عَمِلَ فِي بَدْعَةٍ خَلَاهُ الشَّيْطَانُ وَالْعِبَادَةَ وَالْقَى عَلَيْهِ الْخُشُوعَ وَالْبُكَاءَ؛ میزان الحکمه/۱۷۵۱**). معنویت حماسه‌سوز، اخلاق مردم را به گونه‌ای قرار می‌دهد که متعرض قدرت‌های ظالم نشوند. علت اساسی بی‌دینی بسیاری از جوانانی که دین‌گریزی می‌کنند، این است که معنویت غیرسیاسی و حماسه‌سوز به آنها پیشنهاد شده است.

### علی اکبر (ع)، نمونه‌ای از معنویت حماسه‌ساز

- معنویت حماسه‌ساز، معنویت است که از آن جوان سرمستی مثل علی اکبر (ع) درست می‌شود. علی اکبر (ع) که نمازش آنچنان بود و اخلاقش هم آنطور که فرمود **«اشبه الناس خلقاً و خلقاً برسول الله»** صفای این معنویت را عشق است. در معنویت حماسه‌ساز، غوغایی است...

